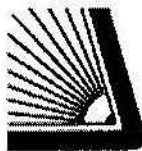


بسم الله الرحمن الرحيم

ن و القلم و ما يسطرون

قوز فکری

مهندسی رساله‌مداری



انتشارات مفکری

سرشناسه	راهداری، علی رضا، نویسنده
عنوان و نام پدیدآور	قور فکری / علی رضا راهداری
منشخصات نشر	انتشارات نطری ۱۳۹۳
منشخصات ظاهری	۶۷۲ ص
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۱۷۰-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	میا
ضوع	اندیشه نقدگر
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ق ۱۷: ۴۴۱ BF
رده بندی دیویی	۱۵۳-۴۲
مارک سال	۳۴۷۳۶۲۱

نام کتاب: قور فکری

نویسنده: مهندس علی رضا راهداری

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاووش، شریف و اشرف

ویراستار: احسان نجفی، علی رضا راهداری، معصومه

صراح جلد: محمود سمس الدین

«کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ است»

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی

نیش خیابان فتحی شقایق، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۱۷

www.nashrenazari.com

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

پیام کوتاه: ۱۰۰۰۰۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

پیشگفتار

اسناد در بین کلاس داستانی را تعریف کرد.
روزی خانمی در حال بازی بسکتبال بود که توپش تو جنگل افتاد. او دنبال توپ رفت
دید که یک سنجاب در تله گیر کرده است.

سنجاب به خانم گفت: اگر مرا از این تله آزاد کنی سه آرزوی تو را برآورده می‌کنم.
زن سنجاب را آزاد کرد. سنجاب گفت: «متشکرم» ولی من یادم رفت بگویم شرایطی
برای آرزوهایت هست. آرزویی داشته باشی شوهرت ۱۰ برابر آن را می‌گیرد.
زن گفت اشکالی ندارد!

زن برای اولین آرزویش می‌رساند. زن ثروتمندترین زن دنیا شود!
سنجاب اخطار داد که شما توجه نکنید با این آرزو شوهر شما نیز جذابترین مرد
دنیا می‌شود و تمام زنان به او جذب خواهند شد.
زن جواب داد: اشکالی ندارد من زیباترین زن جهان خواهم شد و او فقط به من نگاه
می‌کند! بنابراین اجی مجی و او زیباترین زن جهان شد.
برای آرزوی دوم خود، زن می‌خواست که ثروتمندترین زن جهان باشد.
سنجاب گفت:

این طوری شوهرت ثروتمندترین مرد جهان خواهد شد و او ۱۰ برابر ثروتمندتر
می‌شود.

زن گفت اشکالی ندارد! چون هرچه من دارم مال اوست و هرچه او دارد مال من است.

بنابراین اجی مجی و او ثروتمندترین زن جهان شد!

سپس سنجاب از آرزوی سوم زن سوال کرد و او جواب داد:

من دوست دارم که یک سگته قلبی خفیف بگیرم و شوهرم!!..

در این هنگام یکی از دانشجویان سرکلاس که خانم بود گفت: زن زرتنگ هستند بنابراین با آنها در نیافتید!

مردهای جنسه شروع به غر غر کردند.

استاد گفت: قابل توجه خانمها همین جا توقف کنید و همچنان حس خوبی داشته

باشید. تا.....

استاد ادامه داد: شما زود قضاوت کردید!

قابل توجه آقایان: مرد سگته قلبی، ۱۰ برابر خفیف تر از زن کردا چون زن در درخت است خن «سگته خفیف» مطرح کرده بود و شما توجه نکردید.

یکی از دانشجوها دستش را بلند کرد و گفت: نتیجه داستان را بگوییم.

«این داستان این موضوع را می‌رساند که زن ها هیچ وقت حرف آدم را گوش نمی دهند» و این ادامه داد: مردها هم همینطور.

استاد: ادامه داد: فکر کردیم و اندیشه داشتید ولی چون روش فکری شما صحیح نبود به نتایج نادرست رسیدیم و شما غلط کرد.

بسیاری از افرادی که این داستان را خوانند از جمله شما خواننده عزیز، در بین داستان چندین بار هم رای شخصیت‌های داستان شده همان اشتباه‌ها را مرتکب می شوید.

چرا چنین خطاهای فکری در شما رخ می‌دهد؟ اصلاً نمی‌دانید کجاست؟

جالب این که بدانید در زندگی انسانها از این نظام و اشتباهات فراوان هر روز تکرار می‌شود. درست گوش نکردنها، زود قضاوت کردنها، سریع نتیجه‌گیری، مثل بقیه فکر

کردنها، داشتن نگرشهای اشتباه و دریک کلام «روشنمند و قانع نبودن فکر کردنها» و بدتر از آن عادت داشتن به چنین «روش تفکری» که نام آن را «قور فکری» می‌نامیم.

موضوعی است که من در این کتاب می‌خواهم با شما درباره آن صحبت کنم. این مفهوم «قور فکری» نوعی عادت به «روش نادرست در فکر کردن» وجود دارد.

مهماندار کمربندها را چک می‌کرد و در این هنگام خلبان بعد از سلام و روز بخیر خودش را معرفی کرد و چند ثانیه بعد هواپیما از روی زمین بلند شد و بعد از گردشی بر روی خلیج فارس به سمت تهران تغییر جهت داد. من از پنجره هواپیما از بالا به آب‌های نیلگون خنج نگاه می‌کردم و هر لحظه ارتفاع من از سطح زمین بیشتر می‌شد. گروهی از مدافعان ارشد کشور در یک برج در میدان ونک تهران در طبقه ۳۸ منتظر من بودند تا با آنها درباره تفکر و مدیریت آن در سازمان (اتاق فکر) صحبت کنم.

وقتی در فرودگاه به شهرهایی که در پایین روی زمین بودند نگاه می‌کردم و سوار بر هواپیما را با این شکاف تا خودم را به تهران و به افرادی که منتظرند تا در حوزه تفکر آموزش ببینند، به هم آن وقت ارزش و قدرت تفکر را درک کردم که اگر درست بکار گرفته شود، فراتر از حد و مکان خواهد رفت و می‌تواند نتایج جدیدی را وارد زندگی کند که برای بسیاری از افراد حتی در یک انسان غیرقابل باور باشد. هواپیما از میان ابرها عبور می‌کرد و بطور مداوم جهت خود را تغییر می‌داد تا به مقصد برسد تا اینکه در قلب فرودگاه تهران به زمین نشست. من به سوار شدن را به مکان جلسه رساندم. در آنجا افرادی منتظر بودند تا درباره تفکر بیاموزند. در زندگی خود تغییراتی بدهند و زندگی متفاوتی را تجربه کنند. بعد از حضور من در آن جلسه، در جلسه بعدی کمتر از یک سال در بیش از صد سازمان ایرانی حضور پیدا کردم. چگونه چنین موفقیتی حاصل آمد؟ من که آدم مشهوری نبودم و هیچ حمایت‌کننده مالی یا معنوی نداشتم. با وجود همه استادان بزرگ دانشگاهی در کشور، چه شد که سراغ من آمدند و آنقدر جلسه‌های جذاب و مفید بود که به سرعت در ایران توسعه پیدا کرد. در هر جلسه‌ای که می‌رفتم، فضایی برای جلسات بعدی مطرح می‌شد و همین طور کُر گسترش پیدا می‌کرد تا جایی که یک به یک بسیاری از دعوتهای آموزشی را به خاطر کمبود وقت رد می‌کردم. «کتاب اتاق فکر» ۱۰ گام» در یک سال به چاپ سوم رسید. این کتاب درباره عقلانیت جمعی و اجتماعی بود. افراد زیادی در دوره آموزشی که برای آموزش تفکر توسط من طراحی شده بود، شرکت

کردند. برخی سازمان‌ها در سه سطح دوره را برگزار کردند: ۱- مدیران ارشد- ۲- مدیران میانی- ۳- کارشناسان. حتی برخی ارتقاء به جایگاه بالاتر در سازمان را منوط به طی دوره تفکر کردند. تمام این موفقیت‌ها در حدود یک سال رخ داد و من به یک مربی تفکر در این تبدیل شده و از تمام سازمان‌های ایرانی به من مراجعه می‌شد. در بسیاری از جلسات خانواده‌ها نیز شرکت کردند که برای آنها جذاب و مفید بود. در گام اول، موفقیت بزرگی بدست آمده بود. در این کتاب دلایل موفقیت خود را شرح داده‌ام که چگونه با عقلانیت و روش تفکر من می‌توان زندگی جدید و متفاوت خلق کرد که برای من حدود یک دهه طول کشید و شما با این کتاب کمتر از یک سال طول بکنید. کتاب اتاق فکر، بیشتر به عقلانیت می‌پرداخت بود اما این کتاب به دنبال عقلانیت، در زندگی فردی است. من دوره دیگری بعنوان «موفقیت از طریق تفکر» را طراحی کردم تا از طریق عقلانیت، در زندگی افراد موفقیت ایجاد کنم که بر اساس تجربه موفقیت آمیز خودم بود. من تجربه فکری خود را فراهم کرده و آنرا با افراد گوناگون قرار دادم که مورد استقبال آنها قرار گرفت. دلیل استقبال این بود که یکی آنها تأثیر زیادی داشت. این کتاب شرحی از تکنیک‌های فکری است که در آن دوره بیان می‌شود. از آنجایی که تصمیم داشتم کتابی برای محتوای آموزشی آن دوره تهیه کنم تا مهلت آنرا من مرجعی مکتوب برای محتوای کارگاه‌ها داشته باشند، چنین محصولی تهیه گردید. محصول این کتاب زندگی حداقل یک میلیون نفر را در سال گذشته (۱۳۹۲) تغییر داده است. محصول این کتاب در سال‌های گذشته تهیه شده بود، ولی در سال ۱۳۹۲ جمع بندی گردید و در آذرماه ۱۳۹۳/۱۲ پایان یافت. جهت شرکت در کلاس‌های آموزشی یا ارتباط با من می‌توانید از طریق سایت یا شماره تلفن زیر اقدام کنید.

www.ima.ir

۰۹۱۳۲۱۶۷۱۰۴

۰۰۰۳۰۹۰۰ پیامک

فهرست

- فصل اول: قوز فکری چیست؟ ۱۰۱
- فصل دوم: سه قانون مهم برای کار با مغز ۶۵
- فصل سوم: تکنیک من بزرگ و من کوچک ۷۶
- فصل چهارم: تکنیکهای تفکر ص ۸۲
- فصل پنجم: تأثیرگذاری بر زندگی و لذت حس قدرت ۱۱۷
- فصل ششم: ماشین احمایی تجارب ۱۳۰
- فصل هفتم: تجارب مرجع ۱۴۷
- فصل هشتم: تمرین بر مهارتهای فکری ما ۱۵۶
- فصل نهم: تمرین ذهن مغز ۱۶۱
- فصل دهم: احساسات و من آنها در زندگی ۱۹۴
- فصل یازدهم: کار چیست؟ ۲۰۸
- فصل سیزدهم: روشن کردن ساندویچ ۲۱۰
- فصل چهاردهم: مسائل ۲۴۷
- فصل پانزدهم: سؤال و مغز ۲۴۱
- فصل شانزدهم: اهداف ۲۵۲
- فصل هفدهم: خودکشی احساسی ۲۷۱
- فصل هیجدهم: چگونه تغییر کنیم؟ ۳۱۳
- فصل نوزدهم: پشتکار ۳۵۳
- فصل بیستم: جدول ارزشها ۳۷۳
- فصل بیست و یکم: قوانین چه تأثیری بر زندگی ما دارند؟ ۴۱۷
- فصل بیست و دوم: هویت چیست؟ ۴۲۹
- فصل بیست و سوم: عادات ۴۳۹
- فصل بیست و چهارم: ترس چیست؟ ۴۵۳
- فصل بیست و پنجم: اعتماد به نفس و موفقیت چه رابطه ای با هم دارند؟ ۴۶۳
- فصل بیست و ششم: شادی ۴۷۴

فصل بیست و هفتم: مدیریت زمان ۴۹۴

فصل بیست و هشتم: ماشین لذت ۵۱۱

فصل بیست و نهم: چگونه اوضاع اقتصادی خود را بهبود دهیم؟ ۵۲۳

فصل بیست و دهم: معجزه واژه ها و عبارات ۵۳۶

فصل بیست و یازدهم: استعاره ها ۵۴۶

فصل سی و یکم: تکنیکهایی برای کشف استعداد ۵۵۷

فصل سی و دوم: پیش بینی ۵۶۲

فصل سی و سوم: قدرت ارتباطات ۵۷۰

فصل سی و چهارم: شناخت هنرهای جدید ۵۷۸

فصل سی و پنجم: تکنیکهایی برای موفقیت ۵۸۷

فصل سی و ششم: بررسی موفقیت و تکنیکهای درون آن / چگونه انسان پرواز کرد؟ ۶۳۰

فصل سی و هفتم: بزرگواران در پایان کتاب چیست؟ ۶۵۱